

مناظره غیبایی سعید حجاریان و بهزاد نبوی درباره عبور از روحانی بحث برانگیز شده است؛ نبوی اصلاح‌طلبان را به حمایت از دولت تشویق می‌کند و سعید حجاریان این روش را تکدی‌گری سیاسی می‌داند

دوئل تئوریک با چریک

فرهیختگان گذشته بر حال و آینده اصلاح‌طلبان سایه انداخته است؛ گذشته‌ای که تکرارش به کابوس این روزهای برخی کنشگران این جریان سیاسی تبدیل شده و به عناوین مختلف هشدارش می‌دهند. حالا این بهزاد نبوی است که خطر تکرار سال ۸۴ را به هم‌جریانی‌هایش گوش‌سزد می‌کند. چریک پیر اصلاحات در گفت‌وگوی اخیرش با ارگان رسمی حزب کارگزاران ابراز تأسف کرده که برخی از دوستانش تصویری کندمیی‌توانند خرج‌شان را از دولت روحانی جدا کنند و تصویر مثبتی در انتخابات آتی مجلس و ریاست جمهوری در افکار عمومی از خود باقی بگذارند. نبوی معتقد است رویه امروز بخشی از اصلاح‌طلبان حکایت همان سال‌های دهه ۸۰ و دولت اصلاحات است که در نهایت اعتماد مردم را نسبت به اصلاح‌طلب‌هایشترسلب‌می‌کند. بهزادنبوی همچنین اشاره داشته که با توجه به شرایط کنونی، زمان این نیست که اصلاح‌طلبان فکر کنند در انتخابات آینده چقدر رأی می‌آورند و تأکید کرده علی‌لاریجانی، ناطق‌نوری، مطهری ویا هنر اصلاح‌طلب نیستند، ولی به‌منافع کشور فکر می‌کنند؛ اشارتی که را از هیرد انتخاباتی که در سر می‌پروارند، پرده برمی‌دارد. نبوی در خشت خام جریان متبوعش از طرفی واقع‌بینانه، گزینه‌ندان گیرورای آوری

نمی‌بیند و همچنان دیکته‌می‌کند که تخم‌مرغ‌هایشان را در سبد رقیب بچینند و از طرف دیگر احتمال تندروی‌های مسبوق به سابقه هم‌جریانی‌هایش را هشدار می‌دهد؛ تندروی‌هایی که به قول منتجب‌نیا تا سال‌ها باعث شد مردم به اصلاح‌طلبان پشت کنند و در نتیجه آنها دولت و مجلس و بهشت را به رقیب واگذار کردند. با این حال برخی دیگر از اصلاح‌طلبان-البته از بعد از انتخابات ۹۶ با صراحت بیشتری-آیین‌ه اصلاحات را در مقابل «عبور» قرار داده‌اند و ایسن روزها تکرار می‌کنند که اگر عهدهی هم با دولت روحانی بسته بودند، به پایان رسیده است. از این روسعی دارند با نقاب انتقاد از دولت، هزینه‌های کارنامه دولت روحانی تا جای ممکن به پایشان نوشته نشود. در این میان برخی چون سعید حجاریان گام‌های عبورشان را از دولت نیز فراتر برده‌اند و تأکید دارند که این روزها مهره‌های شطرنج سیاست‌ورزی اصلاحات باید به گونه‌ای چیده شود که حتی بود و نبود نظام هم گزند ی به ساحت جریان اصلاح‌طلب نرساند؛ از این رو ضرورت تند کردن فضا را دیکته می‌کنند؛ تندشدنی که سپهر سیاسی کشور را غبارآلود کرده و امثال مصطفی تاجزاده معتقدند در فضای غبارآلود و بحرانی بیش از پیش مسیر دستیابی به اهداف جریان متبوع‌شان سهیل

سیاست



خواهد شد! به عبارتی دیگر، مباحثی چون «خروج از حاکمیت» چالش تکراری اصلاح‌طلبان است که طی سال‌های اخیر هر زمان دولت و مجلس به کام‌شان رقم خورده، تندروان‌شان برای خروج‌هایی می‌شوند و عقلایشان ترمز دستی‌شان رامی‌کشند تا آنجا که ضرورت «اصلاح‌اصلاحات» و بازتعریف اصلاح‌طلبی در این جریان خودنمایی می‌کند. از این رو است که امثال نبوی از مدعیان اصلاح‌طلبی سخن می‌گویند که به اصل نظام اعتقاد ندارند و طبعاً نمی‌توانند اصلاح‌طلب تلقی شوند و جمعیی دیگر نیز در نامه به خاتمی از بروکرات‌های منفعل‌شان شکوه می‌کنند.

چرخش سیب سیاست در زمین اصلاح‌طلبان، به روزهای

فر سنگ‌ها آن طرف تر از نظام!

اصلاح‌طلبان در سال ۸۴ با وجود اینکه چندبار نامزد عوض کردند و نهایت‌بخش قابل توجهی از آنها در مرحله دوم انتخابات پشت سر هاشمی‌رفسنجانی ایستادند، اما باز هم مغلوب رقیبی شدند که ۱۸۰ درجه با آنها زاویه داشت و به عبارتی دورترین فرد از میان نامزدهای متعدد آن انتخابات نسبت به اصلاح‌طلبان بود. آنها بعد از این انتخابات و البته شکست سنگین در انتخابات مجلس هشتم که تحت تأثیر فضای ناشی از انتخابات ریاست جمهوری بود، تلاش ویژه‌ای را از اواخر سال ۸۶ و روزهای نخست سال ۸۷ آغاز کردند تا از شکست مجدد در انتخابات ریاست جمهوری نهم جلوگیری کنند. مهدی کروبی از پاییز و مستقل از کلیت جریان اصلاح‌طلبی مجدداً اعلام نامزدی کرد و تا اسفندماه رفت و برگشت چندباره‌ای میان سیدمحمد خاتمی و میرحسین موسوی رخ داد. نهایتاً هم این خاتمی بود که پس از اعلام کاندیداتوری با توجه به اصرار موسوی برای حضور انصراف داد تا نخست‌وزیر دهه ۷۰ گزینه نهایی اصلاح‌طلبان در سال ۸۸ باشد. این انتخابات اما فارغ از دو شکست قبلی برای اصلاح‌طلبان و بسیاری دیگر از منتقدان و حتی معارضان جمهوری اسلامی حیثیتی شده بود و نمی‌خواستند شاهد ادامه دولت کسی که فاصله قابل توجهی با آنها دارد باشند، لذا گزینه نهایی آنها یعنی میرحسین موسوی که سخنرانی‌های خود را از مسجدی در نازی‌آباد و با شعار عدالت آغاز کرده بود، به سرعت تغییر مسیر داد تا بتواند همه رای‌های منتقدان و مخالفان احمدی‌نژاد و حتی جمهوری اسلامی را به سبد خود بریزد. قاطبیه اصلاح‌طلبان از فروردین ۸۸ با میرحسین همراه شدند و در بستری که بخشی از آن ساخته غرب و معاندان جمهوری اسلامی مانند سلطنت‌طلبان و منافقین بود، قرار گرفته و حرکت خود را پرشمار ادامه داد‌اند. اصلاح‌طلبان ظرف چندماه به علت همراهی با گروه‌های معارض نظام، از میانه حاکمیت به جایی رسیدند که بسیاری از آنها محاکمه شدند و برخی دیگر برای سال‌ها از فضای سیاسی حذف شدند. در آن سال به جز افراد معدودی مانند محمدرضا عارف، مصطفی کواکبیان و ... که ایستادن کنار نظام را بر عبور از تمامی خطوط قرمز ترجیح دادند، مابقی در حوادث بعد از انتخابات تند رفتند و در سال‌های بعد نیز هزینه آن تندروی را پرداختند.

تحریم تحریم

چهارنعل تاختن‌های اصلاح‌طلبان در مسیر تندروی، بعد از انتخابات ۸۸، اهمیت انتخابات مجلس نهم را بیش از پیش نشان می‌داد؛ انتخاباتی که تندتازان اصلاح‌طلب چشم‌امید به تحریمش بسته بودند، تحریمی که البته ثمری جز عدم همراهی مردم با سیاست‌ورزان اصلاح‌طلب نداشت. تا آنجا که مشارکت در این انتخابات نسبت به انتخابات مجلس هشتم، با رشد هشت درصدی مواجه شد؛ رشد مشارکت نسبت به انتخابات مجلسی که اصلاح‌طلبان به تعبیر خودشان، با کاندیدا‌های حداکثری خود به میدان رقابت آمدند و با شکستی سنگین، مجلسی یک‌دست اصولگرا رقم زدند. حضور در انتخابات جمعه دوازدهمین روز از دوازدهمین ماه سال ۹۰، تکلیف خروج از حاکمیت را برای جریان اصلاحات یکسره می‌کرد. با این حال رئیس دولت اصلاحات در اقدامی خلاف نسخه تندروان‌شان، رأی خود را به صندوق انداخت. اگرچه سیدمحمد خاتمی با توجه به سکوتش در برابر بلواها و ادعاهای سال ۸۸، مجبور شده بود با همراهی برادرش علی خاتمی، حوالی ساعت دو بعدازظهر رای خود را در یکی از حوزه‌های انتخابیه دماوند به صندوق بیندازد. رای دادن رئیس دولت اصلاحات با توجه به شرط و شروط قبلی اش چنان دور از انتظار بود که شکوری‌راد هم در وبلاگ خود تأکید کرد: «من هیچ خبری از اینکه چرا خاتمی به پای صندوق رای رفت ندارم.» ناگفته پیداست که رای خاتمی، خط بطلانی غیرقابل‌انکار بر ادعاهای ۸۸ تفسیر می‌شد. از این رو وقتی تکذیب‌ها بی‌فایده شد، رئیس دولت اصلاحات آماج حملات هم‌جریانی‌هایش قرار گرفت، تا آنجا که برخی از کنشگران اصلاح‌طلب این رای را «ضربه‌ای بسیار سنگین» به اصلاحات خواندند و حالا این رئیس دولت اصلاحات بود که اصلاح‌طلب بدلی خوانده می‌شد! خارج‌نشینان و جنبش سبزی‌ها از خیانت خاتمی می‌گفتند و مردم به استقبال از این رای رفتند. سه روز بعد خاتمی در بیانیه‌ای رسمی، از ضرورت بازگشت به آرمان‌های اصل انقلاب و قانون اساسی سخن گفت و اگرچه دیرنگام ولی اشاره داشت که اصلاح‌طلبی بر روندها و اقدام‌های قانونی و غیرخشونت‌آمیز تأکید دارد؛ اقدامی که بی‌شک می‌توان گفت به بازتعریف اصلاحات منجر شد و بار دیگر اصلاح‌طلبان را در معرض انتخاب مردم قرار داد.

مبدل شود؛ مشارکت فعالی که دست آخر، شب انتخابات، اصلاح‌طلبان را میان پیش بردن آرمان‌هایشان با معاون اول دولت اصلاحات و نیز تن دادن به مهره‌ای که نه خود ادعای اصلاح‌طلبی داشت و نه اساساً پرچسب اصلاح‌طلبی هیچ‌چوره به او می‌چسبید، مخیر کرد؛ اختیاری که البته به لطف نظرسنجی‌ها و پای‌فشاری طیف‌هایی از این جریان- همچون کارگزاران- جای خود را به گونه‌ای اجبار داد و با توجیه بازگشت تدریجی به حاکمیت، به حمایت از عضو سنتی شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز به‌عنوان پدر معنوی جریان راست منتهی شد؛ موضوعی که از آن به‌عنوان یکی از جدی‌ترین عقب‌نشینی‌های اصلاحات در دودهه اخیر یاد می‌شود.

کاندیدا‌های این جریان و بعد انکار این ادعا در مقاطع بعدی نیافت‌ه بود، به این سادگی‌ها پای کار نمی‌آمد و از دیگر سو بحران رسیدن به گزینه‌های نهایی در شرایطی که بسیاری از مهره‌ها به واسطه طی طریق رادیکالیسم در انتخابات پیشین برای همیشه سوخته بودند، کار را از همیشه سخت‌تر کرده بود.

همین وضعیت بار دیگر انتخاب میان دوگانه تحریم و مشارکت فعال را در مقابل این جریان قرار داده بود؛ نسخه تحریم که دو سال قبل و در انتخابات ۹۰ نتیجه خود را نشان داده بود و آن‌طور که آمارها نشان می‌داد، تأثیر چندانی بر مشارکت عمومی نداشت. همین باعث شد رویکرد مشارکت فعال به جمع‌بندی غالب در این جریان

اصل مطلب

انتقاد عباس عبدی از حناچی



عباس عبدی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب به اظهارنظر اخیر شهردار تهران خرده گرفته و گفته که نباید بسا عصبانیت کار خود را آغاز کند. این فعال سیاسی درباره اظهارات اخیر پیروز حناچی، شهردار جدید تهران درخصوص ارتباط خانواده‌اش با منافقین

نوشت: «آقای حناچی در پاسخ به خبرنگاری که پرسید آیا عضویت برخی نزدیکانش درگروه معاند نظام صحت دارد؟ گفت: کسی را در قبر کسی دیگر نمی‌خواه‌اند. شما هم بروید برای آخرت‌تان کار کنید! به نظر پاسخ درستی نیست. اگر قرار باشد از ابتدا عصبانی شود، مشکل خواهد شد. بهتر بود یا پاسخ نمی‌داد یا در یک کلمه می‌گفت: بله.»

رتبه‌بندی احزاب اصلاح‌طلبان

شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان مدتی است که در کمیته‌های تخصصی خود بنا دارد آیین‌نامه داخلی خود را اصلاح و مورد‌مهمی را به آن اضافه کند. حالا خبرگزاری فارس گزارش داده که این شورا بنا دارد سه‌شنبه هفته جاری آیین‌نامه داخلی این شورا را بررسی

کند. براساس این گزارش، رتبه‌بندی احزاب یکی از موضوعاتی است که اخیراً از سوی برخی از اعضای این شورا مطرح شده است. طراحان می‌گویند باید بین احزاب قوی و احزاب کوچک در وزن و جایگاه و همچنین حق رای و تعداد رای تفاوت قائل شویم. حسین مرعشی که به دلایل شخصی از عضویت در این شورا بیرون آمده، طراح اصلی رتبه‌بندی احزاب است.

بهتر بود ظریف بخش دوم

سخنانش را نمی‌گفت

علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی دیروز در نشست خبری خود به مناسبت روز مجلس که با حضور رسانه‌های داخلی و خارجی برگزار شد، در پاسخ به خبرنگاران توضیحاتی درخصوص مسائل مختلف کشور بیان کرد. وی در پاسخ به سؤالی درباره اظهارات

اخیر محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه درباره ماجرای FATF که بخشی از نظام را متهم به پولشویی کرده بود، گفت: «کنکه آقای ظریف درباره پولشویی مقدمه و موخره‌ای داشت که در ابتدای آن اعلام کردند؛ کسانی که در مورد لایحه CFT براساس عقاید خودصادقانه نظر می‌دهند و برخی هم ممکن است تحت‌تأثیر باشند، که به نظرم موضوع دومی را اگر نمی‌گفتند بهتر بود و سیاستمداران می‌توانند برخی موضوعات را نگویند.»

هشدار توکلی به روسای سه‌قوه

احمد توکلی، رئیس هیات‌مدیره دیده‌های شفافیت و عدالت با ارسال نامه‌ای به روسای قوای سه‌گانه نسبت به روند افزایشی تورم و پیروی از سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول هشدار داد و بار دیگر تأکید کرد دولت هرچه سریع‌تر اقدامات لازم را برای عبور از بحران ارزی اتخاذ کند.

بخشی از این نامه به شرح زیر است: «تجربه جهانی نیز نشان داده است که سال بعد از بحران ارزی، نرخ تورم بیشتر از سال بحران افزایش می‌یابد؛ ازجمله در ایتالیا، سوئد، انگلستان، مکزیک، کره جنوبی، تایلند و برزیل. علت نیز این است که تخلیه اثر افزایش نرخ ارز بر قیمت‌ها با وقفه صورت می‌گیرد. به این ترتیب علی‌القاعده باید تورم‌های بالاتری را تا پایان سال و برای ۱۳۹۸ انتظار کشید.»

دو تابعیتی بودن جرم نیست

آیت‌الله آملی لاریجانی در جلسه مسئولان عالی قضایی با اشاره به اظهارات اخیر وزیر امور خارجه انگلیس گفت: «چندی قبل، وزیر امور خارجه انگلیس قبل از سفر به ایران با لحنی تکبرآمیز به دولت جمهوری اسلامی هشدار داده بود که از حبس دو تابعیتی‌ها خودداری

کنید. این نحوه برخورد یادآور برخوردهای کشورهای استعماری در قرون گذشته است ولیکن توجه‌ندارند جمهوری اسلامی با دولت‌های طاغوتی سابق که با یک هشدار بیگانگان نشان می‌لرزید، تفاوت دارد.» آیت‌الله آملی لاریجانی با بیان اینکه علاوه بر مباحث سیاسی، برخی اظهارات آنها به لحاظ قضایی و حقوقی نیز نادرست است خاطرنشان کرد: «دو تابعیتی بودن در جمهوری اسلامی جرم نیست و کسی در ایران صرفاً به دلیل دو تابعیتی بودن تعقیب و زندانی نمی‌شود. افرادی که مورد اشاره مسئولان خارجی هستند، در کشور ما اقداماتی بر خلاف امنیت مرتکب شده‌اند یا دست به جاسوسی زده‌اند که تعقیب آنها به دلیل ارتکاب این جرایم است و هیچ ربطی به دو تابعیتی بودن‌شان ندارد.»

